

تحول‌ها و چشم‌انداز منطقه‌گرایی تجاری ایران

فرزاد مرادپور، اسماعیل ملک‌اخلاق*، محسن اکبری، محمد دوستار

گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

مشخصات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی موضوع: اقتصاد حوزه موضوعی: ایران	منطقه‌گرایی تجاری، به معنای انعقاد موافقتنامه‌های متضمن تبادل متقابل ترجیح‌های تجاری (در ابعاد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای)، در دهه‌های اخیر رشد شتابان، فراگیری گسترده و عمق و تأثیر بسیاری در اقتصاد بین‌الملل یافته است، به نحوی که شبکه‌های متعدد و درهم‌تنیده موافقتنامه‌های منطقه‌گرایی تجاری تقریباً همه کشورهای جهان و با شدتی بیشتر کشورهای مهم صادرکننده را دربر گرفته و ابعاد فرامنطقه‌ای نیز یافته است و بیشتر صادرات جهانی هم در چنین قالبی صورت می‌گیرد. ایران از دهه ۱۳۸۰ فعالیت‌های منطقه‌گرایی تجاری را آغاز کرده است، اما ماحصل این دو دهه تلاش، با طرف‌های محدود و دامنه محدود موافقتنامه‌هایی که به اجرا درآمده است، اثرگذاری تجاری چندانی به همراه نداشته و سهمی لنز در صادرات کشورمان ایفا کرده است. در این مقاله، با رویکرد تحلیل محتوای کیفی و بهره‌گیری از نظرات خبرگی، موانع منطقه‌گرایی تجاری در ایران در دو دسته کلی موانع خارجی و موانع داخلی شناسایی شده است. ارزیابی این موانع درخصوص موافقتنامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اوراسیا، با در نظر داشتن آنچه از اجرای موافقتنامه موقت فیما بین و روندهای آن استنباط می‌شود، نشانه‌ای از غلبه بر هر دو مانع خارجی (محدودیت‌های بین‌المللی ایران در ایجاد فرصت) و داخلی (ضعف‌های داخلی در بهره‌گیری از فرصت) به شمار می‌رود که ممکن است به منزله نقطه عطف پس از دو دهه تجربه منطقه‌گرایی تجاری در ایران باشد. به نظر می‌رسد مقارنت زمانی انعقاد این موافقتنامه با تنگنای ناشی از تحریم دو طرف در این موفقیت مؤثر بوده است.

واژگان کلیدی:

اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ایران، منطقه‌گرایی تجاری، موافقتنامه تجارت آزاد، موافقتنامه تجارت ترجیحی.

ارجاع به این مقاله: مرادپور ف، ملک‌اخلاق ا، اکبری م، دوستار م. (۱۴۰۴). «تحول‌ها و چشم‌انداز منطقه‌گرایی تجاری ایران». مطالعات کشورها. ۳(۴): ۸۰۵-۸۳۶. doi: <https://doi.org/10.22059/jcountst.2025.390303.1247>



وبگاه: <https://jcountst.ut.ac.ir> | رایانامه: jcountst@ut.ac.ir
شاپای الکترونیکی: ۹۱۹۳-۲۹۸۰ | ناشر: دانشگاه تهران

* نویسنده مسئول: malekakhlagh@guilan.ac.ir <https://orcid.org/0000-0002-4569-4478>

4478

۱. مقدمه و طرح مسئله

از آنجاکه منطقه‌گرایی، علاوه بر دلالت بر نزدیکی جغرافیایی، مفهومی فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و سازمانی هم دارد، تعریف واژگانی آن مشکل است (کوهن، ۱۳۹۲: ۴۴۶). در کتاب *اصطلاحات سیاست تجاری*، منطقه‌گرایی مجموعه اقدام‌هایی تعریف شده است که گاه از طریق ایجاد منطقه تجارت آزاد یا اتحادیه گمرکی بین دولت‌ها، به منظور آزادسازی یا تسهیل تجارت در سطح منطقه تحقق می‌یابد (Goode, 2003: 292). اما، حدود یک‌سوم موافقتنامه‌های تجارت آزاد در حال مذاکره نه در سطح یک منطقه بلکه بین مناطق صورت می‌گیرد، ولی سازمان جهانی تجارت آن‌ها را موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای می‌خواند (کوهن، ۱۳۹۲: ۴۴۶). می‌توان گفت موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای در نگاه سازمان جهانی تجارت، مفهومی عام‌تر و از سوی دیگر خاص‌تر از منطقه‌گرایی دارد. در مفهوم عام‌تر، این موافقتنامه‌ها ممکن است بین دو کشور منعقد شود که لزوماً در یک منطقه جغرافیایی نباشند. در مفهوم خاص‌تر، مقررات این سازمان به‌طور ویژه شرایطی را برای آزادسازی تجاری ترجیحی در موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای مقرر می‌دارد (کمالی اردکانی، ۱۴۰۲: ۴۳۰). این مقررات، تعریفی عملیاتی از منطقه‌گرایی تجاری فراهم می‌سازد.

معنای دیپلماسی در آثار نویسندگان مختلف از ویژگی یا ابزار (هنر و روش‌های مذاکره) تا تدوین و اجرای سیاست خارجی را در بر می‌گیرد؛ همچنین در تعریف دیپلماسی تجاری یا اقتصادی تنوع زیادی وجود دارد. با این حال، به‌طور کلی، در این تعریف‌ها به استفاده از ابزارهای دیپلماتیکی برای دستیابی به اهداف اقتصادی و تجاری اشاره شده است و معمولاً این دو اصطلاح در عمل به‌جای یکدیگر به کار می‌روند (بزرگی، ۱۳۹۶: ۱۳۰-۱۲۶). فارغ از مناقشه‌های نظری، می‌توان گفت که هم در دیپلماسی تجاری و هم در دیپلماسی اقتصادی عمل متقابل معنادار بین کشورهای منتخب، بر اساس معاهدات دوجانبه هدف گرفته می‌شود (چترچی، ۱۴۰۱: ۲۵). هدف اصلی دیپلماسی اقتصادی در سطح ملی، نیل به توافق‌ها و ترتیب‌های سودمند متقابلی است که در اثر تحقق آن، تعامل‌های مربوط به سیاست خارجی دو کشور تقویت می‌شود. مفهوم دیپلماسی اقتصادی در سطح ملی، نیازمند حمایت از عواید دوجانبه در منافع ملی اقتصادی بر اساس شناخت زمینه‌های تعامل طرفین است (همان: ۲۹). بنابراین، مفهوم دیپلماسی اقتصادی با موافقتنامه‌های تجاری پیوند مستقیمی دارد.

اگرچه نزدیک به یک‌سوم تولیدات جهانی از مرزهای کشورهای مبدأ می‌گذرد، به‌طور متوسط از ۳۰۰۰ مایل (حدود ۴۸۰۰ کیلومتر) دورتر نمی‌شود؛ مسافتی که برای طی اقیانوس‌ها کافی نیست. بنگاه‌ها اگرچه منابع و عاملانی ارزان‌تر و بهتر در ورای مرزها می‌جویند، چندان هم از خلنه فاصله نمی‌گیرند و به‌نوعی منطقه‌ای می‌شوند و نه جهانی. این امر به‌ویژه در خصوص زنجیره‌های ارزش پیچیده‌تر همچون الکترونیک، ماشین‌آلات و تجهیزات حمل‌ونقل صادق است (O'Neil, 2022: 18-19). برآمدن زنجیره‌های تأمین بین‌المللی، برآمده از نگرش جانبداری از تجارت در جهان است که در قالب گسترش گات و سازمان جهانی تجارت قوام یافت و سراسر جهان را فراگرفت. اما، محدود کشورهای بودند که تجارت بین‌الملل واقعاً اقتصاد آن‌ها را متحول ساخت و سهم تجارت از اقتصاد را ظرف سه دهه دو برابر کرد. در قریب به نیمی از کشورها، این سهم تغییر محسوسی نکرد و حتی کمتر شد. بقیه کشورها هم در وضعیتی بنابین قرار گرفتند. در حقیقت، در چهل سال گذشته، بیش از نیمی از جریان‌های بین‌المللی کالاها، خدمات، پول، اطلاعات و مردم در میان همسایگان و کشورهای نزدیک جابه‌جا شد و جهان بیش از آنکه با حمل‌ونقل ارزان، ارتباطات رایگان، نرم‌افزارهای پیچیده و جریان‌های سرمایه، جهانی شود، منطقه‌ای شد. دوران رشد دورقمی چین با آورده‌های منطقه‌ای رقم خورد و ویتنام با پیوندهای مشابهی سالیان رکود اقتصادی را پشت‌سر گذاشت. خیز برخی کشورهای اروپای شرقی حاصل ادغام آن‌ها در اروپا بود و نفتا مددکار دو برابر شدن اقتصاد مکزیک شد (ibid: 28).

موافقتنامه‌های تجاری به کاهش تعرفه‌ها و رفع موانع و اعطای مزیتی مهم می‌انجامد. این موافقتنامه‌ها معمولاً میان همسایگان برقرار می‌شود. آمریکا در انعقاد موافقتنامه تجارت آزاد، پس از اسرائیل، سراغ کانادا و مکزیک رفت. برزیل سراغ آرژانتین، استرالیا سراغ زلاندنو، و بلژیک سراغ هلند و لوکزامبورگ (قبل از تبدیل آن به جامعه اقتصادی اروپا) رفت. منطقه تجارت آزاد ملت‌های جنوب شرق آسیا (آسه‌آن) ملت‌های منطقه همچون مالزی، اندونزی و تایلند را به هم پیوند داد و مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای ۱۵ اقتصاد آسیا [و اقیانوسیه] را [حول آسه‌آن] گرد آورد. ابرمنطقه‌ای‌هایی چون موافقتنامه پیشرو و جامع مشارکت ماورای اقیانوس آرام استثنا هستند (ibid: 33-34).

به‌هرحال، روند گسترش این موافقتنامه‌ها به‌گونه‌ای بوده است که در سال ۱۹۹۰م، به‌طور متوسط هر عضو گات/ سازمان جهانی تجارت، عضو دو موافقتنامه

تجارت ترجیحی بود، ولی ظرف دو دهه عدد متوسط جهانی به ۱۳ و در کشورهای پیشرو به ۳۰ رسید (WTO, 2011).

البته، اکنون نیمی از موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای فعال، به‌معنای دقیق کلمه «منطقه‌ای» نیستند و اعضای آن‌ها را کشورهایی از مناطق جغرافیایی مختلف تشکیل می‌دهند. این در حالی است که حدود ۱۰ سال پیش، همکاری‌های درون منطقه‌ای بیشتر بود. شاید ظهور موافقتنامه‌های بین منطقه‌ای حاکی از آن باشد که برخی ظرفیت‌های همکاری در درون مناطق اشباع شده است. اکنون، در سطح منطقه‌ای، گاه شاهد تلاش‌های عظیم فراقاره‌ای هستیم، نظیر تلاش‌های آمریکا برای انعقاد موافقتنامه تجارت و سرمایه‌گذاری با اتحادیه اروپا (فرااطلسی)^۱ و موافقتنامه تجاری با کشورهای دو سوی اقیانوس آرام (فراآرامی)^۲ (بزرگی، ۱۳۹۶: ۴۱).

از نظر پوشش موضوعی موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای، باید گفت که این پوشش به‌مرور زمان وسیع‌تر و عمیق‌تر شده است. در واقع، اکثر موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای اخیر از رویه سنتی کاهش تعرفه‌ها فراتر رفته است و مسائلی مثل خدمات، سرمایه‌گذاری، حقوق مالکیت فکری، استلنداردها و موانع فنی تجارت، تدارکات دولتی، سیاست رقابتی و حل‌وفصل اختلافات را دربرمی‌گیرد. به‌طور قطع، یکی از دلایل این امر، ظهور شبکه‌های تولید بین‌المللی بوده است (Baccini et al., 2011).

طبق اعلام سازمان جهانی تجارت، از سال ۲۰۰۸م به بعد، بیش از نیمی از صادرات کالایی جهان تحت پوشش موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای صورت می‌گیرد و این روند همچنان رو به افزایش است (WTO, 2011). تا ۱۲ مارس ۲۰۲۵م تعداد موافقتنامه‌های لازم‌الاجرای جهان به ۳۷۳ مورد رسید (از مجموع ۶۱۵ مورد اعلامی) (WTO Secretariate, 2025).

مرور وضعیت منطقه‌گرایی تجاری در جهان گویای فراگیری گسترده و عمق نفوذ و تأثیر زیاد آن است، به‌نحوی که تقریباً همه کشورهای جهان را در شبکه‌های متعدد و درهم‌تنیده موافقتنامه‌های منطقه‌گرایی تجاری دربرگرفته است و کشورهای اصلی صادرکننده هم نقش فعال‌تری در این موافقتنامه‌ها دارند، به‌نحوی که اکثر صادرات جهان در قالب چنین موافقتنامه‌هایی صورت می‌گیرد و

1. Transatlantic Trade and Investment Partnership (T-TIP)

2. Trans-Pacific Partnership (TPP)

حدود ۹۰ درصد توافق‌های تجاری هم در سطوح بالای آزادسازی تجاری است. به‌علاوه، منطقه‌گرایی در قالب گسترش تجارت، در توسعه اقتصادی و تعمیق پیوندهای بین‌المللی و رفع تنش‌ها و برقراری ثبات و امنیت منطقه‌ای نقش مؤثری یافته است؛ آنچه ایران هم برای هدف‌گذاری‌های صادراتی و توسعه‌ای خود در منطقه‌ای پرتنش بدان نیازمند هست.

جدول ۱. موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای، اعلامی تا مارس ۲۰۲۲م به سازمان جهانی تجارت و سلف آن گات

انواع منطقه‌گرایی از نظر مقررات سازمان جهانی تجارت	الحاق به موافقتنامه‌های موجود	موافقتنامه‌های جدید	جمع کل	درصد نسبت به کل
تجارت آزاد	۸	۲۹۵	۳۰۳	۵۲/۴
اتحادیه گمرکی	۱۰	۱۱	۲۱	۳/۶
ترجیحی نازل‌تر از تجارت آزاد	۶	۵۶	۶۲	۱۰/۶
یکپارچگی تجارت خدمات	۷	۱۸۷	۱۹۴	۳۳/۶
جمع کل	۳۱	۵۴۹	۵۸۰	۱۰۰

منبع: <http://rtais.wto.org/UI/publicsummarytable.aspx>

برخی راهبردشناسان ایران را، به‌دلیل قرارگرفتن میان دو انبار انرژی خلیج‌فارس و دریای خزر، تبلور ملموس باور به لقب مرکز جغرافیای سیاسی (ژئوپولیتیکی) جهان دانسته‌اند و منطقه‌ای را که ایران در آن قرار دارد محور اصلی نقشه جغرافیای راهبردی (ژئواستراتژیکی) جهان خولنده‌لند (مینایی، ۱۳۸۶). «ایران منطقه‌ای» با سیاست منطقه‌ای فعال - به‌دلیل نقش تمدنی و فرهنگی و اقتصادی و جغرافیای سیاسی و جغرافیای راهبردی در آسیای میانه و قفقاز، شبه‌قاره و غرب آسیا - شناخته می‌شود و ضرورتی اجتناب‌ناپذیر دانسته شده است (رضایی، ۱۳۸۴). درعین‌حال، ایران، با وجود آنکه در نقطه‌ای خاص و واجد حساسیت در جغرافیای سیاسی جهان واقع شده است، به‌طور معمول و نیز به‌لحاظ تمدنی، شراکت اساسی را در مناسبات خود مفروض نمی‌بیند و تقریباً در تمامی محورهای اصلی حاکم بر منطقه، شاخص و به‌بیانی دیگر «استثنا» محسوب می‌شود؛ آنچه به «تنهایی راهبردی ایران» تعبیر شده است (ظریف و کریمی، ۱۴۰۲: ۴۵۷-۴۵۵).

در جزء اول بند ۱۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، بر توسعه پیوندهای

راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان، به‌ویژه همسایگان، به‌دید یکی از محوری‌ترین راهبردها در افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور، تأکید شده است. براساس بند ۲۲ سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه نیز بر تقویت رویکرد اقتصادمحور در سیاست خارجی و روابط منطقه‌ای و جهانی و تقویت پیوندهای اقتصادی با اولویت همسایگان تأکید شده است. در ماده ۱۰۱ قانون برنامه هفتم نیز در اجرای سیاست‌های کلی مزبور تکلیف شده است با استفاده از تمام امکانات و ظرفیت‌های سیاست خارجی، روابط دوجانبه، سیاست (دیپلماسی) همسایگی و سیاست چندجانبه و بین‌المللی برای پیشبرد سیاست اقتصادی، به انعقاد و تعمیق موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی و آزاد با اولویت انعقاد موافقتنامه تجارت ترجیحی با کشورهای هدف در میان‌مدت و تجارت آزاد در بلندمدت (از جمله اوراسیا) و تعمیق موافقتنامه تجارت ترجیحی با کشورهای همسایه با توجه به قرابت‌های فرهنگی اقدام شود (بند ب) و با تأکید بر استفاده از ظرفیت سازمان‌های شانگهای، بریکس، اکو و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در کمک به ارتقای جایگاه جمهوری اسلامی ایران در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی اقدام صورت گیرد (بند خ).

به‌رغم موقعیت ممتاز جغرافیایی ایران و همسایگی با ۱۵ کشور، متأسفانه در حال حاضر، وضعیت تجارت ترجیحی منطقه‌ای ایران در مقایسه با سایر کشورها و اقتصادهای هم‌سطح خود در رتبه‌های بسیار نازلی قرار دارد. این در حالی است که بخش اعظمی از تجارت خارجی ایران (۸۹ درصد صادرات و ۳۰ درصد واردات) در پنج‌ساله گذشته با کشورهای همسایه صورت گرفته و طرح تحریم و به‌انزوآکشاندن اقتصاد ایران، یکی از جدی‌ترین مشکلات اقتصادی ایران در سال‌های اخیر بوده است (زاهدطلبان، ۱۳۹۸). لذا، توسعه تجارت منطقه‌ای ایران یکی از اولویت‌های مهم و فوری سیاست تجاری کشور در حوزه تنظیم روابط اقتصادی و تجاری با سایر کشورها محسوب می‌شود. بر همین اساس، برخی رویکرد جدید ایران به منطقه‌گرایی را واکنشی به تحریم خوانده‌اند (ماسالسکی، ۱۴۰۳).

۲. مبانی نظری و پیشینه

درباره فرایند همگرایی منطقه‌ای و جهانی و عوامل دخیل در پیشرفت آن، تبیین‌های زیادی در حوزه روابط بین‌الملل شده است. نظریه‌های روابط بین‌الملل

درباره همگرایی اساساً با کارکردگرایی شروع شده و با نوکارکردگرایی و رژیم‌های بین‌المللی استمرار یافته است. به‌طور خلاصه، آنچه از مرور متون مربوط به نظریه همگرایی در حوزه روابط بین‌الملل می‌توان دریافت، این است که از یک‌طرف گسترش وابستگی متقابل و از طرف دیگر، عواملی مثل فشارها و تهدیدهای فراملی و فرامنطقه‌ای باعث شده است که توانایی دولت‌های ملی برای رفع نیازهای انسانی و حل مسائل بین‌المللی کاهش یابد و گسترش همکاری‌های بین‌المللی در قالب رژیم‌های بین‌المللی ضروری شود. از سوی دیگر، از نظریه‌پردازان همگرایی می‌توان این نکته را آموخت که، به‌دلیل حساسیت دولت‌ها به حاکمیت ملی خود و در نتیجه شکست طرح‌های سیاسی بلندپروازانه برای تحقق وحدت سیاسی در گذشته، بهتر است همگرایی را با همکاری‌های کارکردی و اولویت مسائل اقتصادی و اجتماعی شروع کرد. البته، از نظر آن‌ها، این همکاری‌های کارکردی به‌مرور زمان باید به ایجاد نوعی احساس تعلق به جامعه‌ای بزرگ‌تر و حتی گسترش همکاری به عالی‌ترین سطوح سیاسی و انتقال گسترده وفاداری‌ها و حاکمیت ملی به نهادهای جدید فراملی بینجامد. سرانجام، این نظریه‌پردازان معتقدند که همکاری‌های کارکردی، نه‌تنها به برآورده شدن نیازهای انسانی و ارتقای سطح رفاه، بلکه به حفظ صلح بین‌المللی هم کمک می‌کند (بزرگی، ۱۳۹۶: ۹۸).

در سه دیدگاه اقتصاد سیاسی بین‌المللی (دیدگاه لیبرال، دیدگاه رئالیستی و دیدگاه ساختارگرایی تاریخی)، نظرهای بسیار متفاوتی درباره موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای مطرح شده است (جدول ۲). اقتصاددانان لیبرال منطقه‌گرایی تجاری را بهینه دوم آزادسازی تجاری جهانی می‌نامند و از آن حمایت می‌کنند. آنان منافع کارایی حاصل از منطقه‌گرایی آزاد را بارزش‌تر از هر ضرر محتمل، همچون ازدست‌رفتن شغل کارگران می‌دانند. به‌علاوه، به نامتوازن بودن قدرت به‌دید مشکل اصلی کشورهای کوچک در موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای نمی‌نگرند، چون معتقدند در بلندمدت همه اعضا از این موافقتنامه‌ها سود می‌برند؛ حتی می‌گویند، به‌علت صرفه‌های ناشی از مقیاس و افزایش تقاضا برای صادرات کشورهای کوچک، این کشورها، بیش از کشورهای بزرگ، از این موافقتنامه‌ها سود می‌برند. برخلاف لیبرال‌ها، رئالیست‌ها و ساختارگرایان تاریخی بر این باورند که موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای، با منفعت‌بردن برخی گروه‌ها و کشورها به زیان برخی دیگر، آثار توزیعی مهمی دارند. رئالیست‌ها معتقدند طرف بزرگ‌تر اجازه سود بیشتر طرف کوچک‌تر را نخواهد داد، مگر آنکه پرداخت‌های جانبی دریافت

کند. همچنین، در بلندمدت توزیع منافع در قراردادهای تجاری منطقه‌ای منعکس‌کننده ناتقارنی در قدرت، ثروت و فناوری میان اعضاست. ساختارگرایان تاریخی شرکت‌های چندملیتی و صاحبان سرمایه فراملیتی را برندگان اصلی و کارگران و فقرا را بازندگان اصلی این موافقت‌نامه‌ها می‌خوانند و بر این باورند که این موافقت‌نامه‌ها اجازه می‌دهد کشورهای مرکز سرمایه از کشورهای حاشیه بهره‌برداری کنند (کوهن، ۱۳۹۲: ۳-۴۴۲).

در رشد تأثیر بلوک‌های تجاری منطقه‌ای تردیدی نیست، اما در اینکه این بلوک‌ها مانعی برای تجارت آزاد هستند یا مانعی برای حمایت‌گرایی، مناقشه و اختلاف نظر وجود دارد. ولی روشن است که این اتحادیه‌ها مثال بارزی بر این مطلب هستند که نظام تجاری معاصر هم‌زمان هم تجارت آزاد را می‌پذیرد و هم بر نیاز عملی بر حمایت‌گرایی صحه می‌گذارد (بالام و وست، ۱۳۹۷: ۱۴۰). در دیدگاهی بدبینانه، ترتیبات تجاری منطقه‌ای ابزاری دانسته می‌شود برای ایجاد واحدهایی با خودکفایی بیشتر و حمایت بیشتر از اقتصادهای عضو و آن را نمونه جدید و بزرگ‌تری از مرکانتلیسم می‌خوانند و منطقه‌گرایی را شکل جدیدی از ملی‌گرایی بر اساس هویت منطقه‌ای برمی‌شمارند که درصدد برقراری نوعی توازن قوای جدید است. در دیدگاه خوش‌بینانه‌تر، رشد منطقه‌گرایی را موجب رواج هنجارها و قواعد آزادسازی تجاری برمی‌شمارند که از ملی‌گرایی اقتصادی و مرکانتلیسم می‌کاهد و وابستگی متقابل را افزایش می‌دهد. در دیدگاه سوم، این ترتیبات را بازتولید انواعی از وابستگی اقتصاد جهانی از طریق تسلط گروه‌بندی‌های قدرتمند برمی‌شمارند (همان: ۷-۱۳۵).

جدول ۲. شباهت و تفاوت سه دیدگاه اقتصاد سیاسی بین‌المللی درباره منطقه‌گرایی تجاری

رنالیزم و ساختارگرایان تاریخی بر این باورند که موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای، با منفعت‌بردن برخی گروه‌ها و کشورها به زیان برخی دیگر، آثار توزیعی مهمی دارد. لیبرال‌ها هم تصدیق می‌کنند که برخی گروه‌ها همچون کارگرانی که شغل خود را از دست می‌دهند از این موافقت‌نامه‌ها ضرر می‌کنند.	۳.۹
لیبرال‌ها به نامتوازن بودن قدرت به‌دید مشکل اصلی کشورهای کوچک در موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای نمی‌نگرند، چون معتقدند در بلندمدت همه اعضا از این موافقت‌نامه‌ها سود می‌برند. حتی می‌گویند کشورهای کوچک بیش از کشورهای بزرگ از این موافقت‌نامه‌ها سود می‌برند. به‌علاوه، منافع کارایی را مهم‌تر از ضرر برخی گروه‌ها می‌دانند.	۳.۱۰

تحلیل رسمی آثار اقتصادی موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای با آثار ژاکوب واینر در دهه ۱۹۵۰م شروع شد. طبق نظریه وی، آزادسازی ترجیحی دو اثر اصلی دارد: ایجاد تجارت^۱ و انحراف تجارت^۲ و موازنه خالص بین این دو تعیین می‌کند که موافقتنامه تجاری منطقه‌ای رفاه اعضای خود را افزایش یا کاهش خواهد داد (WTO, 2011: 100-114). کروگن (۱۹۹۱) بر اساس فرضیه «شرکای تجاری طبیعی»^۳ نشان داده است که هزینه‌های موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی شرکای تجاری «طبیعی» احتمالاً کمتر از هزینه‌های موافقتنامه‌های کشورهای است که تجارت زیادی با یکدیگر ندارند (ibid). البته، شیف (۱۹۹۹) استدلال می‌کند که حجم تجارت لزوماً معیار عینی برای سنجش میزان «طبیعی» بودن شرکای تجاری نیست، زیرا خود حجم تجارت از سیاست‌ها تأثیر می‌پذیرد. در عوض، شیف معتقد است که کشورهایی را باید «شرکای تجاری طبیعی» دانست که به واردکردن محصولات صادراتی شرکای بالقوه تمایل دارند (ibid).

شیف و وینترز می‌گویند که نزدیکی جغرافیایی و هزینه حمل‌ونقل به‌هیچ‌وجه تنها عامل تعیین‌کننده در شناسایی شرکای تجاری طبیعی نیست و از وجود تجارت گسترده بین دو کشور هم به‌خودی‌خود نمی‌توان نتیجه گرفت که شرکای تجاری طبیعی یکدیگرند، زیرا ممکن است این تجارت ناشی از انحراف‌های تجاری باشد؛ به‌همین دلیل، شاید به‌جای گسترش آن، کاهش آن بهتر باشد (Schiff & Winters, 2003: 66-69). برخی هم با رد تعیین‌کنندگی عامل نزدیکی جغرافیایی، آورده‌اند که چیزی به‌نام منطقه «طبیعی» وجود ندارد و جغرافیا تاکنون تنها یا شاید مهم‌ترین عامل تعیین ترکیب‌بندی و ماندگاری هیچ طرح منطقه‌گرایی نبوده است (هتنه و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۶-۱۸۵). در مقابل، در گزارشی از آنکتاد، در جاهای مختلف از اهمیت نزدیکی جغرافیایی حمایت شده است (UNCTAD, 2007).

نکته دیگر این است که درحالی‌که کاهش مداوم تعرفه‌ها در چارچوب‌های چندجانبه، ترجیحی و یک‌جانبه از حاشیه ترجیح‌های تجاری کاسته است، همچنان شاهدیم تعداد موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای فعال به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. این امر نشان می‌دهد که کشورها احتمالاً به‌دلایلی غیر از دسترسی به بازارهای صادراتی به این موافقتنامه‌ها می‌پیوندند. در واقع، تغییر

1. trade creation

2. trade diversion

3. natural trading partners hypothesis

ماهیت تجارت (از تجارت کالاهای نهایی به تجارت کالاهای واسطه‌ای) به‌طور مستقیم تقاضا برای انعقاد موافقتنامه‌های عمیق را افزایش داده است که از اقدام‌های مرزی و قواعد کلی فراتر می‌رود. طبیعی است برای اینکه شبکه‌های تولید بین‌المللی به‌خوبی کار کنند، کشورها باید برخی سیاست‌های ملی خود را با هم هماهنگ کنند. بدین ترتیب، با نظریه‌های سنتی نمی‌توان این تحول‌های جدید را تبیین کرد، چراکه درباره رابطه رشد این شبکه‌ها و تشکیل ترتیب‌های سیاستگذاری عمیق‌تر بین کشورها مسکوت می‌ماند. تقسیم تولید کالاهای نهایی به مراحل یا اجزای مختلف، محاسبه ایجاد و انحراف تجارت را تغییر می‌دهد. اگرچه نتیجه هنوز معلوم نیست، این امکان را فراهم می‌سازد که موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای کاهنده رفاه (فقط تجارت کالاهای نهایی) به موافقتنامه‌های افزایشنده رفاه (با تجارت اجزاء و قطعات) تبدیل شود (بزرگی، ۱۳۹۶).

ریچارد بالدوین هم اشاره کرده است که منطقه‌گرایی قرن ۲۱م را نمی‌توان با چارچوب‌های تحلیلی متفکران قرن ۲۰م، نظیر جاگدیش باگواتی، تبیین کرد که بیشتر بر ترجیح‌های تعرفه‌ای تمرکز داشته‌اند. منطقه‌گرایی قرن ۲۱م بیشتر به قواعد و مقررات متناسب با صنعتی‌شدن مبتنی بر زنجیره‌های تأمین مربوط می‌شود (Baldwin, 2011). ظهور شبکه‌های تولید بین‌المللی یا زنجیره‌های ارزش/ تأمین جهانی از جهت تبعات آن برای سیاستگذاری تجاری کشورها، از جمله لزوم فراتر رفتن از دوگانگی جایگزینی واردات-توسعه صادرات و ضرورت سیاستگذاری یکپارچه یا چندجانبه در سطح بین‌المللی نیز اهمیت دارد (Elms & Low, 2013; Park et al., 2013).

در حالی که پیش‌بینی می‌شد با افزایش استفاده حمایتی از ابزارهای دیگری همچون مقررات فنی یا بهداشتی، همچنین با برآمدن زنجیره‌های ارزش جهانی، ابزارهای سنتی حمایتی مانند تعرفه‌ها و محدودیت‌های مقداری که به‌نظر می‌رسید منطق اقتصادی کمی دارند منسوخ شود، همه‌چیز در چند سال گذشته تغییر کرد و این ابزارهای سنتی تجدید حیات یافت. از یک‌طرف، تعرفه‌ها، به‌منزله ابزاری برای مجازات کشورها در دستیابی به اهداف اقتصادی و غیراقتصادی، محبوبیت خود را به‌دست آوردند. از طرف دیگر، همه‌گیری کرونا به اتخاذ انواع مختلفی از محدودیت‌های مقداری منجر شد، به‌نحوی که تا اوت ۲۰۲۱م، حداقل ۱۰۱ کشور محدودیت‌های مقداری مربوط به همه‌گیری را اعمال کردند. البته، قواعد مبدأ و مقررات تسهیل تجارت اهمیت خود را برای عملکرد مناسب

زنجیره‌های ارزش جهانی حفظ کرد (Ramírez-Hernández, 2022: 476). نگاه اولویت‌دهی به اقدام‌های جهانی به‌جای منطقه‌ای هم خود عامل توصیه به منطقه‌گرایی باز^۱ (آزادسازی هم‌زمان برای کشورهای غیرعضو) بوده است (Estevadeordal & Suominen, 2009).

در گزارشی از آنکتاد آمده است که انگیزه کشورهای درحال توسعه برای انعقاد موافقتنامه دوجانبه با کشورهای توسعه‌یافته، گرفتن امتیازاتی است که به سایر کشورها داده نشده است (به‌ویژه دسترسی بیشتر به بازار کشورهای توسعه‌یافته). این‌گونه موافقتنامه‌ها ممکن است باعث شود بتوان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به‌سوی اعضای درحال توسعه نیز جذب کرد. ولی، این موافقتنامه‌ها ممکن است زیان‌های بالقوه‌ای هم برای اعضای درحال توسعه داشته باشد، زیرا عموماً آزادسازی گسترده سرمایه‌گذاری خارجی و تدارکات دولتی، قواعد و مقررات جدید را درباره برخی ابعاد سیاست رقابتی، مقررات سخت‌تر درباره حقوق مالکیت فکری، و استلنداردهای مربوط به کار و محیط‌زیست و آزادسازی وسیع‌تر و عمیق‌تر تجارت کالا و آزادسازی خدمات را شامل می‌شود. به‌علاوه، در صورتی که همین اعضای توسعه‌یافته موافقتنامه تجارت آزاد با سایر کشورهای درحال توسعه منعقد کنند، ترجیح‌هایی که اعضای درحال توسعه از اعضای توسعه‌یافته می‌گیرند از میان خواهد رفت. بدین ترتیب، این موافقتنامه‌ها باعث می‌شود اعضای درحال توسعه از ابزارهای مهم و قوی سیاستی و اغلب ضروری برای ایجاد ظرفیت‌های تولید جدید، پیشرفت فناوریانه، و تغییر ساختاری در نظام اقتصادی محروم شوند. بنابراین، درحالی که عواید اعضای درحال توسعه از افزایش دسترسی به بازار قطعی نیست، از دست دادن اختیار سیاستگذاری قطعی است. با این ملاحظات، به نفع کشورهای درحال توسعه است که از یک‌طرف پیشرفت مذاکرات تجاری چندجانبه با صبغه توسعه‌ای قوی را پیگیری کنند؛ و از طرف دیگر، به‌جای تن دادن به «منطقه‌گرایی جدید» که به گسترش فعالیت شرکت‌های فراملی در کشورهای درحال توسعه می‌انجامد، به حوزه‌های دیگر همکاری با شرکایی در همان منطقه جغرافیایی خود با روح منطقه‌گرایی واقعی توجه کنند. این نوع همکاری‌های منطقه‌ای با تکیه بر مزایایی مثل نزدیکی جغرافیایی، شباهت منافع، و مکمل بودن اقتصادی به پیشبرد راهبردهای کشورهای درحال توسعه برای توسعه ملی و ادغام در اقتصاد جهانی کمک می‌کند (UNCTAD, 2007: ix-x).

1. open regionalism

شانون اونیل، با هدف توصیه به تمرکز بیشتر بر همسایگان، اساساً باور متعارف درباره جهانی شدن را به چالش می‌کشد و بین‌المللی شدن جهان را بیش از آنکه جهانی بدلند منطقه‌ای می‌خولند و شواهد آن را در روندهای چهل سال گذشته طرح می‌کند و سه کانون منطقه‌ای آسیا، اروپا و آمریکای شمالی را برای زنجیره‌های تأمین منطقه‌ای معرفی کرده است (O'Neil, 2022).

هم‌زمان با آغاز تحرک‌های منطقه‌گرایی ایران در دهه ۱۳۸۰ش و تدوین سند چشم‌انداز با هدف‌گذاری منطقه‌ای، به مطالعات منطقه‌ای در ایران توجه بیشتری شد. رضایی (۱۳۸۴) به زمینه‌ها و چالش‌های آن پرداخته و وجود سیاست منطقه‌ای را در سیاست خارجی ایران ضروری خوانده است.

جواد ارجمند (۱۴۰۰) به تحلیل سیاست خارجی ایران با رویکرد منطقه‌گرایی پرداخته است که ناظر بر ظرفیت‌ها و ابزارهای قدرت منطقه‌ای ایران است. در این مطالعات، به منطقه‌گرایی در معنای عام آن توجه شده است. بزرگی (۱۳۹۶) چارچوبی برای سیاست‌گذاری و تدوین دیپلماسی تجاری مطرح می‌کند و به تبیین عناصر و مؤلفه‌های مختلف دیپلماسی تجاری، از تعریف و اهداف و دستورکار گرفته تا بازیگران و راهبردها و ابزار آن، می‌پردازد که بخشی از آن به منطقه‌گرایی مربوط می‌شود.

در مطالعات متعددی، آثار انعقاد موافقتنامه‌های تجاری ایران یا عضویت ایران در پیمان‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای بررسی شده و جزو مطالعات موردی محسوب می‌شود. به‌طور مثال، از جدیدترین و تفصیلی‌ترین این مطالعات می‌توان به عسگری ارجنکی (۱۴۰۰) اشاره کرد که به تجزیه و تحلیل آثار تجاری و رفاهی موافقتنامه تجارت ترجیحی بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا پرداخته است. زاهدطلبان (۱۴۰۲) در پژوهشی در خصوص انعقاد موافقتنامه تجارت آزاد ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا به ارزیابی توافقاتی که به‌عمل آمده در این مذاکرات می‌پردازد. ارزیابی اجمالی و کلی موافقتنامه‌ها تجاری ایران نیز در گزارش زاهدطلبان (۱۳۹۸) و مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۹) آمده است. نتایج حاکی است که اقلام انتخاب‌شده برای اخذ ترجیح‌های تعرفه‌ای از لحاظ تعداد و ارزش صادراتی مبتنی بر اهمیت آن‌ها در سبد صادراتی کشور نیست، به‌طوری‌که در عمل بخش اعظم تجارت بالفعل ایران با شرکای تجاری را پوشش نمی‌دهد. هروانی و فراهانی فرد (۱۴۰۰) نظارت‌نداشتن بر عملکرد و بی‌توجهی به ابعاد کارشناسی را منجر به ازدست‌رفتن کارکرد این موافقتنامه‌ها دانسته‌اند.

۳. روش‌شناسی

این مقاله متکی بر رویکرد تحلیل محتوای کیفی با بهره‌گیری از مصاحبه خبرگی است. مصاحبه عمیق یکی از راه‌های تولید داده در تحقیق کیفی است که نوعاً به معنای هدایت آرام مکالمه‌ای یک‌سویه برای کشف دیدگاه مشارکت‌کننده در تحقیق در زمینه تجربه شخصی او درباره موضوع تحقیق است (چارمز، ۱۴۰۱: ۱۰۱-۱۰۰). به‌منظور شناسایی عواملی که مانع از موفقیت دو دهه تلاش ایران در منطقه‌گرایی تجاری بوده است، گذشته از منابع اسنادی و در فقدان جامعیت اطلاعات آن‌ها، منبعی اکتلاپذیر مراجعه به تجربه‌های مستقیم دست‌اندرکاران منطقه‌گرایی تجاری است که زوایای پنهان این پدیده را هم در روندهای طی شده و هم از برداشت‌های تصمیم‌ساز مدیران دخیل در مذاکرات تجاری مربوط روایت کند. بدین منظور، مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختارمند با ۶ نفر از مدیران و مسئولان مستقیم که هریک بالغ بر دو دهه در این حوزه تجربه نزدیک داشتند مبنا قرار گرفت. این محدودیت تعداد خبرگان از این رو بود که شمار افراد دارای تجربه مستقیم و مؤثر مذاکراتی در این حوزه محدود است و از افراد در لایه‌های بعدی که تجربه غیرمستقیم‌تری به موضوع داشتند صرف‌نظر شد تا نتایج مصاحبه بازتابی از تجربه زیسته آنان باشد. آنگاه، با تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌ها، دلایل اصلی ناکامی از دیدگاه آنان استخراج شد. سپس، با لحاظ آخرین تحولات روند مذاکرات تجاری ایران در منطقه‌گرایی، آسیب‌شناسی ارزیابی موردی شد تا بتوان به چشم‌اندازی از منطقه‌گرایی تجاری ایران در دهه سوم آن رسید.

در روش تحلیل محتوای کیفی، بررسی موارد مرتبط با مسئله‌ای خاص با استفاده از نمونه‌های بسیار کوچک و بر اساس روش غیراحتمالی و انتخاب در شرایطی معین امکان‌پذیر است. در این شیوه تحلیل، عمق و زمینه متن مهم‌تر از سطح و صورت ظاهری است و از ماهیت انعطاف‌پذیر، غیرخطی و فاقد قالب پیروی می‌شود. در خلال دوره اخیر، تحلیل محتوای کیفی مایرینگ (۱۹۸۸) محبوبیت خاصی یافته است. سه رویه تحلیل شیوه وی عبارت است از رویه تلخیص، رویه تبیین، و رویه ساخت‌بندی (محمدپور، ۱۳۹۸: ۴۳۰-۴۲۲). در این مقاله با به‌کارگیری رویه تلخیص، متن مصاحبه‌ها با حفظ محتوای اصلی تقلیل یافت.

۴. بحث و بررسی

۱.۴. سیر تحول‌های منطقه‌گرایی تجاری در ایران

سازمان عمران منطقه‌ای در سال ۱۹۶۴م (۱۳۴۳ش) شکل گرفت و از سال ۱۹۸۵م (۱۳۶۴ش) سازمان همکاری اقتصادی (اکو) نامیده شد. این سازمان نخستین شکل منطقه‌ای آسیایی است (شریعتی‌نیا و توحیدی، ۱۳۹۳: ۵). با این حال، این شکل تبادل ترجیح‌های تجاری نداشت و ایران پیش از انقلاب وارد هیچ‌یک از ترتیب‌های ترجیح‌های متقابل تجاری نشد.

ایران در مذاکرات ترتیب‌های ترجیحی، موسوم به توافق‌های مربوط به مذاکرات تجاری میان کشورهای در حال توسعه در نیمه نخست دهه ۱۹۷۰م شرکت کرد، اما به آن نپیوست (مرادپور، ۱۳۸۴: ۲۲؛ بزرگی، ۱۳۸۶: ۱۵۰). الحاق ایران به نظام جهانی ترجیح‌های تجاری میان کشورهای در حال توسعه با مصوبه مجلس شورای اسلامی در آذر ۱۳۷۰ش رخ داد، اما به‌رغم مشارکت فعال ایران در این مذاکرات تجاری، تلاش‌ها بی‌فایده ماند.

در واقع، فعال‌سازی منطقه‌گرایی تجاری ایران از اوایل دهه ۱۳۸۰ش آغاز شد. نخستین کوشش‌ها در این راستا به مذاکرات برقراری ترجیح‌های تعرفه‌ای اکو برمی‌گشت که به امضای موافقتنامه تجاری اکو (اکوتا) در ژوئیه ۲۰۰۳م (۱۳۸۲ش) انجامید و متعاقباً تا مارس ۲۰۰۸م (۱۳۸۷ش) به تصویب نیمی از اعضای اکو (حد نصاب اجرا) رسید، شامل ایران، ترکیه، پاکستان، افغانستان و تاجیکستان. اما، با وجود گذشت سالیان متمادی هنوز به اجرا درنیامده است، چراکه تمرکز صرف کاهش تعرفه‌ها در این موافقتنامه بر تعرفه‌های بالای ۱۵ درصد بار آزادسازی را به‌نحو نامتناسبی متوجه اعضای با تعرفه‌های بالاتر می‌ساخت و حتی به‌نوعی برخی اعضا را از هر گونه اقدام قابل توجهی در تبادل امتیازات برکنار می‌داشت؛ لذا، دو کشور (ایران و تاجیکستان) از دادن فهرست‌های کالایی خودداری کردند و یکی از آن‌ها (تاجیکستان) اقدام به تصویب پیوست‌های موافقتنامه را متوقف کرد. از این‌رو، درحالی که مطابق با سند چشم‌انداز اکو، سال ۲۰۲۵م (۱۴۰۴ش) موعد تشکیل منطقه تجارت آزاد اکو تعیین شده بود، هنوز گفتگوها برای رفع بن‌بست اجرای این موافقتنامه ترجیحی و اصلاح آن ادامه دارد (ECO & EARI, 2021: 29-40).

اما، نخستین ترتیب تبادل ترجیح‌های تجاری ایران که به مرحله اجرا رسید به یکی از اعضای اکو مربوط می‌شد. در یادداشت تفاهم ترجیح‌های متقابل تجاری

ذیل ماده ۳ موافقتنامه همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی ایران و ازبکستان (مصوب ۸ آبان ۱۳۸۳ش مجلس) که در ۲۷ خرداد ۱۳۸۲ش (۱۷ ژوئن ۲۰۰۳م) به امضا رسید مهلت زمانی برای تعیین فهرست‌های کالایی تعیین شده بود و اعتباری پنج‌ساله با قابلیت تمدید خودکار سالانه داشت. متعاقب آن، فهرستی مرکب از ۲۷ ردیف شش رقمی تعرفه‌ای از هریک از دو طرف تعیین شد که در خصوص ایران کاهش سود بازرگانی (بیش از ۵۰ درصد کاهش) در این اقلام لحاظ شده بود و به موجب مصوبه ۲۱ خرداد ۱۳۸۴ش هیئت وزیران اجرایی شد. اجرای این یادداشت تفاهم در سال ۱۳۹۸ش متوقف شد. تلاش برای انعقاد موافقتنامه تجارت ترجیحی با ازبکستان از سال ۱۳۹۹ش آغاز شد و در سال ۱۴۰۲ش به امضا رسید، اما هنوز پیوست‌های آن در دست مذاکره است و موافقتنامه به مرحله اجرا نرسیده است.

نخستین موافقتنامه تجارت ترجیحی ایران وضع مطلوبی نیافت. نخستین موافقتنامه تجارت آزاد ایران هم سرنوشت مشابهی پیدا کرد. موافقتنامه تجارت آزاد ایران و ونزوئلا با عنوان موافقتنامه اقتصادی تکمیلی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بولیواری ونزوئلا در ۲۱ اسفند ۱۳۸۳ش در کاراکاس، پایتخت ونزوئلا، به امضای دو دولت رسید و در ۱۵ فروردین ۱۳۸۵ش مصوبه مجلس و در ۲۳ فروردین تأیید شورای نگهبان را دریافت کرد.

به موجب ماده ۴ موافقتنامه تجارت آزاد ایران و ونزوئلا، کاهش یا حذف تعرفه‌ها ظرف حداکثر ۱۰ سال پیش‌بینی شده بود (پیوست‌های الف و ب) و فهرست منفی (پیوست ث) که مشمول کاهش مزبور قرار نمی‌گرفت حداکثر ۱۲/۵ درصد اقلام هشت رقمی هریک از طرفین تعیین شده بود. در همین ماده، پیش‌بینی شده بود که در صورت اجرایی‌نشدن برنامه کاهش تعرفه توسط یکی از طرف‌ها، طرف مقابل هم از حق تعلیق برنامه کاهش برخوردار خواهد بود. پیوست پ درباره قواعد مبدأ و پیوست ت هم در خصوص اقلام مشمول اقدام‌های حفاظتی خاص است. در ماده ۲۰ موافقتنامه، مهلت نهایی کردن پیوست‌ها ۹۰ تا ۱۵۰ روز پس از امضای موافقتنامه تعیین شد و لازم‌الاجرا بودن آن منوط به تأیید طرفین از طریق مبادله اسناد دیپلماتیکی دانسته شده بود.

بنابه اطلاعات کتاب مقررات صادرات و واردات، تنها برای دو سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ش موافقتنامه اقتصادی تکمیلی با ونزوئلا در شمار موافقتنامه‌های در دست اجرا ذکر شده است. این اطلاعات فهرست منفی ونزوئلا و دربردارنده ۸۶۶ قلم

کالای هشت رقمی است. فهرست اقدام‌های حفاظتی خاص ایران که ۱۲۳ قلم کالایی کشاورزی را دربردارد نیز فهرستی مشتمل بر ۹۰۰ قلم کالایی طرف ونزوئلایی است که قرار است ظرف ۱۵ سال نرخ نهایی تعرفه آن‌ها به ۴ درصد برسد (و فهرست چهارم خوانده شده است). بنابراین، تصویر بسیار ناقصی از نحوه اجرای موافقتنامه ارائه می‌کند. همین وضعیت مغشوش فهرست‌ها در عمل، اجرای موافقتنامه را منتفی ساخت. مذاکرات برای احیای موافقتنامه تجارت آزاد ایران و ونزوئلا پس از گذشت ۱۷ سال از تصویب، در سال ۱۴۰۲ش آغاز شد و هنوز به فرجام خود نرسیده است.

بنابراین، منطقه‌گرایی تجاری ایران در دو گام نخست اجرایی خود، چه در تجربه نخست که اقلام بسیار معدودی (تنها ۲۷ ردیف تعرفه) را هدفگذاری کرد و چه در تجربه دوم که اقلام بسیار زیادی (بیش از ۸۷ درصد کل ردیف‌های تعرفه‌ای) را نشانه رفت، با ناکامی مواجه شد.

موافقتنامه تجارت ترجیحی با پاکستان اگرچه سومین تجربه منطقه‌گرایی تجاری ایران است که به مرحله تصویب و اجرا رسید، به دلیل زمان امضا در ۱۴ اسفند ۱۳۸۲ش (۴ مارس ۲۰۰۴م) بر دو موافقتنامه پیش گفته (ازبکستان و ونزوئلا) مقدم است و امضای آن چند ماهی پس از امضای اکوتا صورت گرفت. اما، ایران و پاکستان پیش از تصویب و اجرایی‌شدن آن موافقتنامه به اصلاح موافقتنامه با امضای مقاوله‌نامه‌ای در ۵ اسفند ۱۳۸۳ش مبادرت وزیدند که موافقتنامه و مقاوله‌نامه اصلاحی آن در ۲ خرداد ۱۳۸۵ش به تصویب مجلس و در ۱۷ خرداد ۱۳۸۵ش به تأیید شورای نگهبان رسید؛ سپس، به مرحله اجرا درآمد. این موافقتنامه که ۳۰۹ ردیف شش رقمی اعطایی ایران و ۳۳۸ ردیف شش رقمی دریافتی پاکستان را شامل می‌شد، برخلاف دو تجربه اجرایی قبلی، دوام یافت و اکنون قدیمی‌ترین موافقتنامه تجارت ترجیحی و در دست اجرای ایران محسوب می‌شود. ارزیابی عملکرد موافقتنامه حاکی از پیشرفت رو به جلو و ناکافی بودن و ضرورت توسعه بیشتر آزادسازی بوده است (ثاقب، ۱۳۹۰: ۱۶۹). با چنین نگرشی مذاکرات جایگزینی موافقتنامه با موافقتنامه تجارت آزاد از سال ۱۳۹۵ش جریان دارد.

موافقتنامه تجارت ترجیحی با تونس نخستین موافقتنامه ترجیحی ایران با کشوری عربی-آفریقایی بود که با تصویب مجلس در ۲۷ آبان ۱۳۸۶ش به مرحله اجرا رسید. این موافقتنامه کاهش نرخ ۲۵۶ ردیف چهار، شش و هشت رقمی

تعرفه‌ای از سوی ایران و کاهش نرخ ۱۷۴ ردیف شش و هشت رقمی تعرفه از سوی تونس را شامل می‌شد. این موافقتنامه بر تجارت نازل فی‌مابین تأثیر چندانی نگذاشت. مذاکرات برای افزایش فهرست کالایی این موافقتنامه در سال ۱۳۹۳ش صورت گرفت، اما به فرجامی نرسید.

دومین کشور عربی که موافقتنامه ترجیحی ایران با آن کشور با تصویب مجلس در ۶ مرداد ۱۳۸۷ش به مرحله اجرا رسید سوریه بود که چهار سال بعد در سال ۱۳۹۰ش جای خود را به موافقتنامه تجارت آزاد داد و نرخ تعرفه تمامی کالاها، به‌استثنای ۸۸ قلم کالا، را به حداکثر ۴ درصد کاهش می‌داد. به‌این ترتیب، ایران ۵ سال پس از تصویب موافقتنامه تجارت آزاد با ونزوئلا، دومین موافقتنامه تجارت آزاد خود را به تصویب رساند. مطابق کتاب *مقررات صادرات و واردات ایران*، اجرای موافقتنامه تجارت آزاد در مراحل ۵ ساله اجرا در سال ۱۳۹۳ش آغاز و در سال ۱۳۹۸ش تکمیل شد. اما، این بار هم بخت با ایران یار نبود و جنگ داخلی سوریه مانع از تأثیرگذاری این موافقتنامه شد. با فروکش کردن جنگ داخلی سوریه و با وجود آنکه همچنان مشکلات لجستیکی در تجارت فی‌مابین وجود داشت، اصلاح موافقتنامه با هدف حذف کامل تعرفه (نرخ صفر) برای تمامی کالاها (حذف استثنایا) در ۲۳ آبان ۱۴۰۳ش به تصویب مجلس رسید. اما، سقوط دولت سوریه در ماه بعد از آن وضعیت اجرای موافقتنامه را در هاله‌ای از ابهام فرو برد.

کوبا دومین کشور قاره آمریکا پس از ونزوئلا بود که موافقتنامه تجارت ترجیحی با آن در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۷ش با تصویب مجلس به مرحله اجرا وارد شد. این موافقتنامه تنها کاهش ۴۴ ردیف تعرفه هشت رقمی اعطایی و ۸۸ ردیف شش و هشت رقمی دریافتی را دربرمی‌گرفت و بر تجارت ناچیز فی‌مابین تأثیر درخوری نداشت.

نخستین موافقتنامه تجارت ترجیحی ایران با کشوری اروپایی هم سرنوشت بهتری نداشت. موافقتنامه تجارت ترجیحی ایران با بوسنی و هرزگوین که در ۱۵ شهریور ۱۳۸۸ش به تصویب مجلس رسید، تنها ۱۷۰ ردیف شش رقمی اعطایی و ۱۷۰ ردیف چهار و شش رقمی دریافتی را در برداشت.

در سال ۱۳۸۸ش، ترتیب تجارت ترجیحی دیگری نیز به تصویب رسید. مصوبه تجارت ترجیحی ایران و قرقیزستان که در ۳۰ آذر به تصویب هیئت وزیران رسید ۲۹۰ ردیف اعطایی و ۳۰۲ ردیف دریافتی را دربرمی‌گرفت. با عضویت

قرقیزستان در اتحادیه اقتصادی اوراسیا، اجرای این مصوبه متوقف شد و مناسبات ترجیحی فی‌مابین در چارچوب توافق‌های تجاری ایران و اتحادیه اوراسیا قرار گرفت.

در دی ۱۳۸۹ش، مقاوله‌نامه ترجیح‌های تعرفه‌ای سازمان همکاری اسلامی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. مذاکرات آن از سال ۱۳۸۳ش (۲۰۰۲م) آغاز شده بود (ثاقب، ۱۳۹۰: ۴۲). در این مقاوله‌نامه ۷ درصد ردیف‌های تعرفه‌ای دارای تعرفه بالای ۱۰ درصد در شماری از اعضای این سازمان مشمول کاهش قرار گرفت. این مقاوله‌نامه ذیل موافقتنامه چارچوب نظام ترجیح‌های تجاری میان کشورهای اسلامی بود که در ۳۱ شهریور ۱۳۷۱ش (۱۹۹۲م) به تصویب مجلس رسید و با تصویب ۱۲ کشور از سال ۲۰۰۲م، اجرایی شد. مقاوله‌نامه ترجیح‌های تعرفه‌ای نیز با مشارکت ۱۳ کشور (شامل ایران، ترکیه، پاکستان، مالزی، بنگلادش، اردن، مراکش و اعضای شورای همکاری خلیج فارس) از اول ژوئیه ۲۰۲۲م (۱۴۰۱ش) اجرایی محسوب می‌شود. تمامی اقدام‌های لازم برای اجرایی شدن این توافقنامه (ازجمله فهرست‌های کالایی) به انجام رسیده بود (Comcec.org/TPS-OIC) ولی هنوز اجرای آن در کتاب مقررات صادرات و واردات/ایران منعکس نشده است و ابهام‌های اجرایی دارد.

روند منطقه‌گرایی تجاری ایران تا سال ۱۳۹۳ش شاهد توافق جدیدی نبود؛ تا اینکه در این سال جنجالی‌ترین رویداد موافقتنامه‌های ترجیحی ایران رقم خورد. موافقتنامه تجارت ترجیحی ایران و ترکیه، اگرچه مصوب مجلس ترکیه بود، از جانب ایران تنها تصویب هیئت وزیران را در ۱۸ خرداد ۱۳۹۳ش داشت و بر همان اساس به اجرا درآمد. ۱۲۵ ردیف شش رقمی اعطایی ایران و ۱۳۹ ردیف شش رقمی دریافتی از ترکیه در این موافقتنامه مشمول کاهش تعرفه بود. آثار تجاری این موافقتنامه که کاملاً به نفع ترکیه بود اعتراض‌هایی را در بین تولیدکنندگان، صنعتگران، فعالان بخش خصوصی و نمایندگان مجلس موجب شد. بی‌توجهی به مزیت‌های نسبی در فهرست اقلام، ابهام در خصوص دلیل اخذ تخفیف صرفاً برای صادرات کالاهای خام کشاورزی از طرف ترکیه، اعطای تخفیف برای واردات کالاهای صنعتی با تولید مشابه داخلی، به‌ویژه در منسوجات و پوشاک، ازجمله ایرادهایی بود که منتقدان بر این موافقتنامه وارد دانستند. این ایرادها از سال ۱۳۹۵ش باعث شد محدودیت‌هایی در اجرای موافقتنامه اعمال شود (نوروزی، ۱۴۰۳).

در ۱۱ تیر ۱۳۹۵ ش (۱ ژوئیه ۲۰۱۶م) موافقتنامه تجارت ترجیحی D۸ با ۲۳۰ ردیف هشت رقمی اعطایی و ۲۳۰ ردیف هشت رقمی دریافتی با ترکیه، پاکستان، مالزی، اندونزی و نیجریه اجرایی شد. متن این موافقتنامه بدون پیوست‌های آن در ۴ شهریور ۱۳۸۶ ش به تصویب مجلس و پیوست‌های قواعد مبدأ و فهرست کالاها به ترتیب در سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ ش به تصویب هیئت وزیران رسیده بود. به موجب این موافقتنامه، ۸ درصد ردیف‌های تعرفه‌ای دارای تعرفه بیش از ۱۰ درصد، مشمول کاهش قرار می‌گرفت. مطابق کتاب مقررات صادرات و واردات/ایران اجرای موافقتنامه برای اعضای D۸ در مراحل چهار ساله اجرایی در سال ۱۳۹۶ ش آغاز و در سال ۱۳۹۹ ش تکمیل و از سال ۱۴۰۱ ش، جز در خصوص مصر و بنگلادش، اجرایی شد. البته، هنوز هم اجرای D۸ با ابهام‌های اجرایی مواجه است.

در ۵ آبان ۱۳۹۸ ش، موافقتنامه تجارت ترجیحی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا (شامل روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، ارمنستان و بلاروس) با ۳۴۰ ردیف هشت رقمی اعطایی و ۵۰۲ ردیف یازده رقمی دریافتی به اجرا درآمد. مذاکرات آن از دی ۱۳۹۴ ش آغاز شد. سرانجام، توافق بر سر متن موافقتنامه در خرداد ۱۳۹۶ ش به نتیجه رسید و تبادل فهرست ترجیح‌های تعرفه‌ای صنعتی در تیر و تبادل فهرست ترجیح‌های تعرفه‌ای کشاورزی در آبان همان سال به انجام رسید و موافقتنامه در ۷ اردیبهشت ۱۳۹۷ ش به امضای مقام‌های طرفین رسید. یک سال بعد، در ۱۹ خرداد ۱۳۹۸ ش، موافقتنامه به تصویب مجلس رسید و در ۵ تیر ۱۳۹۸ ش تأیید شورای نگهبان را دریافت کرد و با تکمیل فرایند تصویب داخلی در پنج کشور عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا و گذشت ۶۰ روز از دریافت آخرین اطلاعیه مکتوب آن، موافقتنامه تجارت ترجیحی ایران و اوراسیا در ۵ آبان ۱۳۹۸ ش به اجرا درآمد.

این موافقتنامه با عنوان رسمی «موافقتنامه موقت برای ایجاد منطقه تجارت آزاد میان ج.ا. ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا و اعضای آن» در واقع موافقتنامه‌ای موقت برای گذار به موافقتنامه تجارت آزاد بود که در ۱۴۴ ماده (۱۳۰ ماده در ۹ فصل و ۱۴ ماده در پیوست) تنظیم شده بود و مبسوط‌ترین موافقتنامه تجاری ایران محسوب می‌شد. موافقتنامه موقت به موجب مفاد آن، به مدت سه سال لازم‌الاجرا بود (البته، متعاقباً برای سه سال دیگر تمدید شد) و طرفین باید حداکثر ظرف مدت یک سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن آن، مذاکرات برای انعقاد

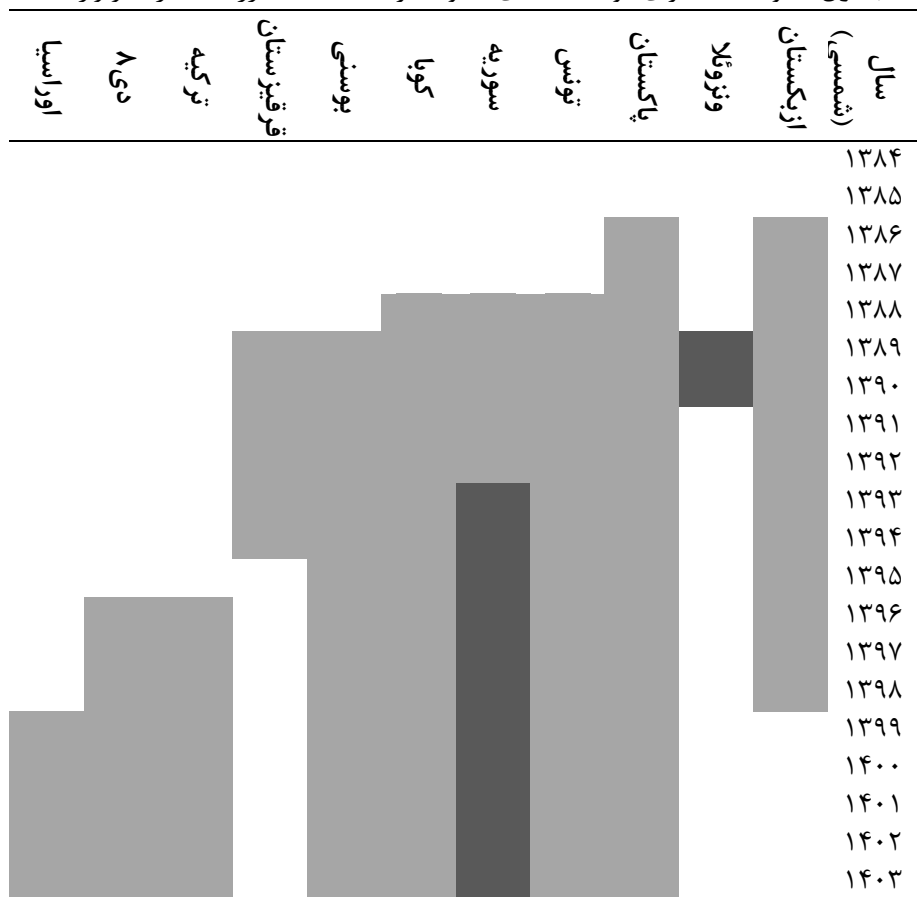
موافقتنامه تجارت آزاد را آغاز می‌کردند تا ظرف سه سال از زمان لازم‌الاجرا شدن موافقتنامه، ایجاد منطقه تجارت آزاد را نهایی کنند؛ در غیر این صورت در خصوص تداوم موافقتنامه تصمیم‌گیری کنند.

مذاکرات تبدیل موافقتنامه موقت به موافقتنامه تجارت آزاد در نوامبر ۲۰۲۱م در ایروان ارمنستان آغاز و متن نهایی موافقتنامه و پیوست‌های آن در تاریخ ۴ دی ۱۴۰۲ش (۲۵ دسامبر ۲۰۲۳م) در سن‌پترزبورگ روسیه به امضای نهایی مقام‌های رسمی طرفین رسید. این موافقتنامه در ۲ دی ۱۴۰۳ش به تصویب مجلس رسید و پس از تأیید شورای نگهبان در ۱۲ اسفند ۱۴۰۳ش (با عنایت به اینکه مراحل تصویب قانونی در مجالس قانونگذاری دیگر اعضا هم طی شد) طی فاصله زمانی ۶۰ روزه از زمان ابلاغ، از اوایل سال ۱۴۰۴ش لازم‌الاجرا خواهد شد. بدین ترتیب، عمر موافقتنامه موقت در کمتر از ۶ سال به سر خواهد آمد و جای خود را به موافقتنامه تجارت آزاد خواهد سپرد. موافقتنامه تجارت آزاد ایران و اتحادیه اوراسیا با ۱۴۷ ماده و ۶ پیوست، مبسوط‌ترین موافقتنامه تجاری ایران و نخستین موافقتنامه تجارت آزاد ایران با نرخ نهایی صفر (بدون مهلت زمانی) در ۸۷ درصد ردیف‌های تعرفه است که اجرایی می‌شود.

در سال ۱۴۰۳ش، موافقتنامه دیگری نیز تصویب شد. موافقتنامه تجارت ترجیحی ایران و اندونزی که در ۲ خرداد ۱۴۰۲ش به امضای طرفین رسیده بود در ۳ مهر ۱۴۰۳ش به تصویب مجلس رسید و در سال ۱۴۰۴ش به اجرا در خواهد آمد. این موافقتنامه که سابقه مذاکرات آن به سال ۱۳۸۵ش می‌رسد تنها کاهش نرخ ۲۳۹ ردیف تعرفه هشت رقمی اعطایی و ۲۲۷ ردیف تعرفه هشت رقمی دریافتی (از محصولات کشاورزی و شیمیایی طرفین) را شامل می‌شود.

وضعیت اجرای این موافقتنامه‌های مصوب، به روایت کتاب *مقررات صادرات و واردات* (۱۳۸۴-۱۴۰۳) که در ابتدای هر سال منتشر می‌شود در جدول ۳ خلاصه شده است. شایان ذکر است که کتاب *مقررات صادرات و واردات* دربردارنده ترجیح‌های موافقتنامه تجارت مرزی با ترکیه (۱۳۸۴ش تاکنون) و نیز اعطای یک‌جانبه ترجیح‌ها به بلاروس (۹۵-۱۳۹۳ش) و افغانستان (۱۳۹۵ش تاکنون) هم هست که در تعریف موافقتنامه‌های منطقه‌گرایی تجاری در این مقاله قرار نمی‌گیرد.

جدول ۳. وضعیت اجرای موافقتنامه‌های مصوب در آئینه کتاب مقررات صادرات و واردات



اجرای موافقتنامه‌های تجارت آزاد، در مقایسه با دیگر موافقتنامه‌های ترجیحی با رنگ تیره‌تر متمایز شده است.

۲.۴. ارزیابی تحول‌ها و چشم‌انداز منطقه‌گرایی تجاری ایران

باید گفت ماحصل دو دهه تجربه منطقه‌گرایی تجاری ایران (۱۳۸۴-۱۴۰۴ش)، صرف‌نظر از کوشش‌هایی که هنوز به فرجام نرسیده یا به هر جهت متوقف شده است یا سازمان‌های طرف عضویت ایران- همچون شانگهای و بریکس که هنوز روند منطق‌گرایی تجاری را آغاز نکرده‌اند- در چشم‌انداز سال ۱۴۰۴ش صرفاً اجرای نه موافقتنامه است که جز یک موافقتنامه تجارت آزاد (با ۵ کشور عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا)، بقیه همگی موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی با دامنه محدود هستند که یا به‌نحو دوجانبه (با شش کشور پاکستان، تونس، کوبا، بوسنی و هرزگوین، ترکیه و اندونزی) یا به‌نحو چندجانبه (با دوازده کشور عضو سازمان همکاری اسلامی و پنج کشور عضو گروه D۸) برقرار شده‌اند.

این کارنامه علاوه بر آنکه از نظر تعداد موافقتنامه‌های در دست اجرا زیر میانگین جهانی است، از نظر عمق و دامنه موافقتنامه‌ها نیز تفاوت عمیقی با وضعیت جهان دارد. در حالی که ۹۰ درصد این موافقتنامه‌ها در جهان موافقتنامه‌های با سطح بالای آزادسازی هستند، ۹۰ درصد موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی ایران دامنه‌ای محدود دارد؛ ضمن اینکه، به‌ویژه با دامنه محدود تعیین‌شده، بسیاری از محدود شرکای تجارت ترجیحی ایران طرف‌های تجاری مؤثری نیستند.

در مقابل، کشوری چون ترکیه بیش از ۲۲ موافقتنامه تجارت آزاد را در دست اجرا دارد و یک مورد آن هم اتحادیه گمرکی ترکیه با اتحادیه اروپاست. بر اساس این توافق‌ها، به‌منظور حذف و تقلیل موانع تجاری بر سر راه صادرات به بازارهای مختلف اقدام شده است (<http://rtais.wto.org/rtais.wto.org/UI/charts.aspx>). درحالی که براساس میانگین جهانی، بیش از ۵۰ درصد صادرات جهانی تحت پوشش این موافقتنامه‌ها صورت می‌گیرد، این رقم در ایران حدود ۳ درصد از ارزش صادرات غیرنفتی آن است (زاهدطلبان، ۱۳۹۸)؛ یعنی، شکاف عملیاتی بزرگی میان عملکرد ایران (زیر ۵ درصد) با عملکرد جهانی (بالای ۵۰ درصد) وجود دارد. این کارنامه از بعد فرایند زمانی طولانی صرف‌شده برای آن هم تأمل‌برانگیز است.

در جدول ۴، عملکرد کلی صادرات غیرنفتی ایران در بازار کشورهای طرف این موافقتنامه‌ها در کتاب *مقررات صادرات و واردات* (جز اوراسیا که در جدول ۷، جداگانه، به آن می‌پردازیم)، در سال‌هایی آمده است که گمرک ایران آمار کامل تفکیکی کشوری را منتشر کرده است. این آمار به‌خوبی گویای سهم نازل تجاری اغلب طرف‌های موافقتنامه‌های ایران است. روشن است که به‌واسطه دامنه محدود مبادله ترجیح‌ها، صادرات قابل توجه به ترکیه، پاکستان و DA (شامل پنج کشور و بیشتر صادرات به ترکیه، پاکستان و اندونزی) را نمی‌توان به موافقتنامه‌ها منسوب داشت. کسب چنین وضعیتی طی دو دهه تجربه منطقه‌گرایی تجاری در ایران، درک چرایی و چگونگی این تجربه و پویایی‌ها و تحول‌های آن را ضروری می‌سازد تا بر اساس شناخت موانع موجود، بتوان در خصوص چشم‌انداز آن برآورد کرد و به این پرسش پاسخ داد که آیا منطقه‌گرایی تجاری ایران در آستانه تحول است؟

تحلیل محتوای کیفی مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختارمند با ۶ نفر از مدیران و مسئولان مستقیم موضوع که هریک بالغ بر دو دهه در این حوزه تجربه نزدیک

داشته‌اند (جدول ۵)، شاید روایتگری نزدیک از دلایل اصلی ناکامی‌ها باشد و با لحاظ آخرین تحول‌های روند مذاکرات تجاری ایران در منطقه‌گرایی و پویایی‌های آن، چشم‌اندازی از منطقه‌گرایی تجاری ایران را در دهه سوم آن ارائه کند.

جدول ۴. عملکرد صادراتی ایران در بازار کشورهای طرف موافقتنامه‌های ترجیحی (به میلیون دلار)

سال (شمسی)	پاکستان	وزوتلا	پاکستان	بوسنی	سوریه	کوبا	بوسنی	قزاقستان	ترکیه	DA	چین
۱۳۹۶	۱۰۰	۳۶	۹۱۹	۱۳	۳۲۶	۰.۲	۴.۴	۳۹	۳۹۶۳	۵۷۵۴	۴۶۹۸۲
۱۳۹۷	۱۴۴	۰.۵	۱۲۶۷	۲۴	۱۵۹	۰.۰۶	۴	۳۵	۲۳۸۱	۴۹۲۹	۴۴۶۷۰
۱۳۹۸	۲۳۴	۱	۱۱۱۳	۵	۱۶۶	-	۴.۴	۶۶	۵۰۵۳	۷۲۷۶	۴۱۴۲۴
۱۳۹۹	۱۶۴	۱۱۹	۱۰۱۶	۱.۷	۱۲۲	-	۴.۶	۴۶	۲۵۳۴	۴۳۴۱	۳۴۸۶۱
۱۴۰۰	۴۰.۲	۲۳	۱۲۶۱	۱.۶	۲۱۸	-	۹	۷۹	۶۰۸۵	۸۶۴۹	۴۸۴۴۰
۱۴۰۲	۳۴۰	۴۳	۲۱۱۱	۴.۶	۱۴۳	-	۲.۴	۸۱	۴۲۱۱	۷۲۸۸	۵۰۱۲۰

مقاطع برقراری موافقتنامه فیما بین با رنگ تیره‌تر متمایز شده است.

مأخذ: پایگاه اطلاعاتی گمرک ایران (www.irica.gov.ir/portal/Home)

جدول ۵. مشخصات کلی مصاحبه‌شدگان

کد منبع مصاحبه	سمت	تجربه کاری (به سال)	تحصیلات	جنسیت
۱	مسئول تیم مذاکرات	۲۰	کارشناسی‌ارشد	زن
۲	مسئول ارشد مذاکرات	۳۰	کارشناسی‌ارشد	مرد
۳	مسئول تیم مذاکرات	۳۰	دکتری	مرد
۴	مسئول تیم مذاکرات	۳۰	دکتری	مرد
۵	عضو تیم و پشتیبان علمی	۲۵	دکتری	مرد
۶	عضو تیم و پشتیبان علمی	۲۵	دکتری	مرد

ارزیابی همه مصاحبه‌شدگان از وضعیت گذشته منطقه‌گرایی تجاری ایران وضعیتی نامطلوب و نیازمند تحول بود. تلخیص ماهوی متن این مصاحبه‌ها که مؤلفه‌های متعددی را به‌منزله موانع موفقیت منطقه‌گرایی تجاری ایران در بر دارد، با توجه به پرسش اصلی این تحقیق، موانع منطقه‌گرایی تجاری را در تجربه مستقیم مذاکرات تجاری در دو دسته کلی موانع خارجی و موانع داخلی قرار می‌دهد.

همه مصاحبه‌شدگان بر نقش موانع خارجی تأکید داشتند و اغلب آن را مانع

اساسی‌تر شمردند. به اعتقاد مصاحبه‌شدگان، از آنجاکه همگرایی سیاسی شرط مهمی در انتخاب طرف تجاری برای معاهده‌هاست، شرایط خاص سیاسی ایران همچون مانعی در این خصوص عمل می‌کند و انتخاب‌های ایران را محدود می‌سازد. همین مسئله به‌نوعی به اولویت‌یافتن نگاه سیاسی بر نگاه اقتصادی می‌انجامد که بر منافع اقتصادی معاهده‌ها تأثیر می‌گذارد. به‌علاوه، تلاطم‌های سیاسی خارجی را به عنصر اختلال انتفاع اقتصادی معاهده‌ها بدل می‌سازد. همین وضعیت خاص خارجی همچون مانعی در مشارکت در رویه‌های هماهنگ بین‌المللی عمل می‌کند و هزینه مبادله را افزایش می‌دهد؛ به‌علاوه، به مانعی برای مشارکت فعال در زنجیره‌های ارزش جهانی بدل می‌شود. تحریم‌های اقتصادی خارجی نیز تشدیدکننده همه این موارد است و نگاه درونگرا و حمایتگرا را تقویت می‌کند. درعین‌حال، برخی مصاحبه‌شدگان بر استفاده از فرصت‌های موجود بین‌المللی، به‌ویژه با کشورهای با همسویی بیشتر، تأکید داشتند و برخی از این کشورها را فرصت‌هایی مناسب برای معاهده‌های تجاری معرفی کردند.

تمامی مصاحبه‌شدگان نقش موانع داخلی را در این خصوص اساسی دانستند؛ برخی نیز موانع خارجی را در تشدید موانع داخلی مؤثر دانستند. بخشی از موانع داخلی به نگرش حمایتگرایانه سیاستگذاران و کارشناسان و حتی فعالان اقتصادی برمی‌گشت که امکان بده‌بستان امتیازات تجاری را محدود می‌ساخت. از نظر برخی مصاحبه‌شدگان، گستره وسیع تولیدات داخلی و ماهیت غیررقابتی آن و تکیه جدی بر بازار داخل، به‌جای صادرات، کار تصمیم‌گیری در خصوص امتیازهای اعطایی را دشوار می‌سازد؛ این قبیل تصمیم‌گیری‌ها لازمه امتیازهای دریافتی است و با بروز این دشواری، مستلزم تصمیم‌گیری در سطوح بالا می‌شود. به اعتقاد برخی مصاحبه‌شدگان، با وجود آنکه اراده سیاسی در این خصوص وجود دارد، این اراده سیاسی فعالانه همچون فیصله‌بخش اعمال نمی‌شود؛ حتی دچار افراط و تفریط و نیز تلاطم‌های مدیریتی می‌شود. به‌ویژه آنکه سیاست‌های صنعتی و تجاری منسجمی وجود ندارد که حدود حمایت و رقابت را معین سازد. بسیاری از تصمیم‌ها نیز مسیرهای پژوهشی و کارشناسی را به‌درستی طی نمی‌کند. به‌علاوه، مشکلات نهادی و ساختاری ع دیده‌ای وجود دارد. نخست، نهادی متمرکز متولی این کار وجود ندارد که محور پیگیری مذاکرات و رصد توافقات باشد و از توان لازم در این خصوص برخوردار باشد. دوم، مشکل هماهنگی‌های بین‌نهادی - به‌ویژه میان وزارت صمت، گمرک و اتاق بازرگانی -

وجود دارد. ضعف نیروی انسانی و ناکافی بودن آموزش‌های لازم و ضعف پیگیری و رصد و نیز موانع زیرساختی متعدد و مقررات ناسازگار و بی‌ثبات از دیگر موانع مهم داخلی است.

جدول ۶. موانع منطقه‌گرایی تجاری ایران از دیدگاه مصاحبه‌شدگان

موانع داخلی	موانع داخلی: همگرایی سیاسی محدود، اولویت نگاه سیاسی بر نگاه اقتصادی، اختلال انتفاع اقتصادی به واسطه تلاطم‌های سیاسی، افزایش هزینه مبادله ناشی از نداشتن مشارکت در رویه‌های هماهنگ بین‌المللی و زنجیره‌های ارزش جهانی، نقش تشدیدکننده تحریم‌های اقتصادی خارجی و نیز بر نگاه درونگرا و حمایتگرا	محدودیت‌های بین‌المللی ایران برای ایجاد فرصت
موانع خارجی	نقش اساسی: نگرش حمایت‌گرایانه سیاستگذاران و کارشناسان و حتی فعالان اقتصادی، محدود بودن امکان بده‌بستان امتیازهای تجاری، گستره وسیع تولیدات داخلی و ماهیت غیررقابتی آن و تکیه جدی بر بازار داخل به جای صادرات، لزوم تصمیم‌گیری در سطوح بالا، عدم اعمال فعالانه اراده سیاسی فیصله‌بخش، افراط و تفریط و تلاطم‌های مدیریتی، فقدان سیاست‌های صنعتی و تجاری منسجم و تعیین‌کننده حدود حمایت و رقابت، عدم طی صحیح مسیرهای پژوهشی و کارشناسی، مشکلات نهادی و ساختاری عدیده به‌ویژه فقدان نهاد متمرکز متولی، مشکل هماهنگی‌های بین نهادی، ضعف نیروی انسانی و آموزش، ضعف پیگیری و رصد، موانع زیرساختی متعدد، مقررات ناسازگار و بی‌ثبات	ضعف‌های داخلی در بهره‌گیری از فرصت

درعین حال، برخی مصاحبه‌شدگان بر بهبودهای ملموس در این خصوص، به‌ویژه در خصوص موافقتنامه با اوراسیا، تأکید داشتند. در این خصوص، اعمال رصد و پایش در خصوص این توافق، پیگیری و رفع مشکلات اجرایی داخلی در جلسات بین سازمانی و در ارتباط با طرف خارجی از طریق تعیین رابط، استثناکردن موافقتنامه اوراسیا از شمول ممنوعیت‌های ورود، پیگیری مشکل انتقال‌های پولی و بانکی و همکاری در این خصوص و نیز اطلاع‌رسانی‌های متعدد داخلی از جمله اقدام‌هایی بود که از نظر مصاحبه‌شدگان به عملکرد موفق تجاری در این موافقتنامه منجر شد. از نظر برخی مصاحبه‌شوندگان، افزایش تجارت و رشد بیشتر صادرات نسبت به واردات و کاهش تراز منفی ایران در تجارت با

اوراسیا نشانه‌ای بر این موفقیت است. برخی مصاحبه‌شدگان تلقی موفقیت در این خصوص را منوط به آن دانستند که افزایش تجارت ناشی از انحراف تجارت نباشد.

جدول ۷. عملکرد پنج ساله تجاری ایران با اتحادیه اوراسیا (میلیون دلار، سال به شمسی)

۱۴۰۲	۱۴۰۱	۱۴۰۰	۱۳۹۹	۱۳۹۸	
۱۸۷۷	۱۷۸۲	۱۷۷۴	۱۱۰۰	۱۳۳۵	واردات ایران
۶۹۸	۳۷۹	۴۵۶	۴۵۲	۹۵۴	واردات ترجیحی
۱۷۰۲	۱۵۱۷	۱۱۶۵	۸۷۳	۷۹۶	صادرات ایران
۳۵۴	۲۸۳	۲۸۹	۲۵۶	۲۴۸	صادرات ترجیحی
۱۷۵	۲۶۵	۶۰۹	۲۲۷	۵۳۹	کسری تراز کل

مأخذ: هرورانی و بیرجندی (۱۴۰۳)

آمار عملکرد تجاری در دوره پنج ساله موافقتنامه موقت با اتحادیه اوراسیا نیز گویای افزایش ۱۱۴ درصدی صادرات ایران و افزایش ۴۰ درصدی واردات ایران از این اتحادیه در فاصله سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲ش است (هرورانی و بیرجندی، ۱۴۰۳). آمار نه ماهه سال ۱۴۰۳ش نیز استمرار این روند و نزدیک شدن به توازن تجاری را تأیید می‌کند. مقارنت این روند با روند افزایشی تجارت جهانی غیرنفتی ایران نیز قرینه‌ای است بر ایجاد تجارت، به جای انحراف آن. رشد بیشتر کل تجارت نسبت به تجارت ترجیحی هم نویدبخش ظرفیت بیشتر تجارت نسبت به دامنه محدود تجارت ترجیحی در افق تجارت آزاد است. این عملکرد شاید نشانه‌ای باشد بر قرارگرفتن ایران در مسیر غلبه بر موانع داخلی توفیق در منطقه‌گرایی تجاری. به علاوه، می‌توانیم این عملکرد را نشانه‌ای از غلبه بر مانع خارجی در انتخاب شریک تجاری مناسب برای معاهده تجاری بدانیم، چراکه اگر مجاورت جغرافیایی، اندازه اقتصاد و عزم سیاسی را سه مؤلفه تسهیلگر همگرایی اقتصادی بدانیم (عابدین و همکاران، ۱۳۹۰: ۵-۳)، اتحادیه اوراسیا برای ایران این ویژگی‌ها را داراست. مجاورت جغرافیایی و اندازه اقتصاد از متغیرهای اصلی الگوی جاذبه در ارزیابی همگرایی‌های اقتصادی است (رحیمی بروجردی، ۱۳۹۵: ۱۰۰).

بنابراین، اتحادیه اوراسیا چشم‌اندازی از مسیری متفاوت از گذشته برای منطقه‌گرایی تجاری پیش‌روی ایران ترسیم می‌کند؛ مسیری که نویدبخش روند غلبه بر موانع خارجی و داخلی پس از دو دهه ناکامی به‌شمار می‌رود.

۵. نتیجه‌گیری

اگرچه ایران سابقه‌ای بالغ بر دو دهه در اجرای موافقتنامه‌های ترجیحی و آزاد دارد، هیچ‌یک از موافقتنامه‌های پیشین ایران به‌لحاظ عمق و گستره تعهدها در حوزه رویه‌ها و مقررات و نیز دسترسی به بازار، همچنین اندازه بازار قابل‌قیاس با موافقتنامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اوراسیا نیست. این موافقتنامه در سال ۱۴۰۴ش اجرایی می‌شود. موافقتنامه‌های پیشین ایران، در عمل اثرگذاری تجاری چندانی نداشت و بخش اندکی از تجارت بالفعل ایران را در بر داشت؛ حال آنکه موافقتنامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اوراسیا پیوند تجاری ایران با بازاری بزرگ در فاصله نزدیک و سطح تعهدهای وسیع و عمیق است که روندهای پنج ساله اجرای موافقتنامه موقت به افزایش قابل‌توجه تجارت و بهبود چشمگیر توازن تجاری انجامیده است و چشم‌انداز مثبتی از تأثیر تجاری آن را نشان می‌دهد. البته، مقطع زمانی خاص انعقاد این موافقتنامه که مقارن با تشدید تحریم‌ها و تنگناهای ناشی از آن در هر دو طرف این موافقتنامه بوده است در موفقیت آن تأثیری مهم داشته است. چنین وضعیتی هم توانسته است بر دغدغه‌های حمایت‌گرایانه داخلی و دیوانسالاری پشتیبان آن غلبه کند و هم فرصتی منحصر به فرد و عزم جزم‌تری را در بهره‌گیری از این فرصت رقم بزند. بدین ترتیب، پس از دو دهه تجربه ناموفق اجرای موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی و تحلیل‌هایی که ریشه ناکامی را در محدودیت‌های بین‌المللی ایران برای ایجاد فرصت و ناتوانی‌های داخلی در بهره‌گیری از فرصت جستجو می‌کرد، این موافقتنامه چشم‌انداز روشنی از غلبه بر هر دو را در پیشروی ما قرار می‌دهد. بدین ترتیب، تحریم که مهم‌ترین مانع خارجی و عامل تشدیدکننده موانع داخلی در توسعه منطقه‌گرایی تجاری ایران تلقی می‌شد خود به عاملی برای غلبه بر هر دو مانع بدل و مصداقی از تبدیل تهدید به فرصت شد.

البته، حفظ این چشم‌انداز مستلزم تداوم و ارتقای جدیت در رفع موانع و چالش‌های پیش‌رو در نخستین تجربه جدی تجارت آزاد ایران است، اما ثمره‌های آن صرفاً به این مورد محدود نخواهد ماند.

در این راستا، باید اقدام‌های ویژه‌ای که در خصوص موافقتنامه اوراسیا به کار بسته شد، نهاده‌ها و فراگیر شود. رصد و پایش توافقات و پیگیری و رفع مشکلات اجرایی آن، چه در داخل از طریق جلسات بین‌سازمانی و چه در خارج از طریق رابط تعیین‌شده و سازمان‌های خارجی هم‌تا، توجه به وضعیت موافقتنامه‌ها در

وضع و اجرای مقررات داخلی، پیگیری مشکل انتقال‌های پولی و بانکی و همکاری در این خصوص و اطلاع‌رسانی‌های منظم و دقیق داخلی از جمله این اقدام‌هاست. البته، پیگیری جدی این موارد مستلزم وجود نهاد متمرکز متولی مذاکرات و توافق‌های تجاری است که از صلاحیت کافی کارشناسی و حمایت لازم سیاسی برخوردار باشد. تحرک در این مسیر برای ایجاد فرصت‌های جدید و کسب دستاوردهای آن خود به عامل شتاب‌بخش پیشبرد منطقه‌گرایی تجاری ایران تبدیل خواهد شد و نگرش‌های فعالانه و مبتکرانه را جایگزین رویکردهای انفعالی خواهد کرد.

تعارض منافع

این مقاله مشمول هیچ گونه تعارض منافع نیست.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان در تألیف این مقاله مشارکت یکسان داشته‌اند. این مقاله مستخرج از رساله دکتری فرزاد مرادپور در دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه گیلان با راهنمایی دکتر اسماعیل ملک‌اخلاق و مشاوره دکتر محسن اکبری و دکتر محمد دوستار است.

اصول اخلاقی

نویسندگان در انتشار این مقاله، به‌طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوءرفتار، جعل داده‌ها یا ارسال و انتشار دوگانه پرهیز داشته‌اند؛ منفعت تجاری در این راستا وجود ندارد. این مقاله حاصل تحقیقات خود نویسندگان است و اصالت محتوای آن را اعلام داشته‌اند. تألیف این مقاله به هوش مصنوعی داده نشده است.

دسترسی به داده‌ها

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر درخصوص نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، با نویسنده مسئول مکاتبه فرمایید.

تشکر و قدردانی

نویسندگان تشکر و قدردانی خود را از دانشگاه گیلان و مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی ابراز می‌دارند.

منابع

- بالام د، وست م. (۱۳۹۷). *درآمدی بر اقتصاد سیاسی بین الملل*. ترجمه ساعی ا، سیفی ع. تهران: نشر قومس، ویراست ۲، چ ۲.
- بزرگی و. (۱۳۹۶). *دیپلماسی تجاری: از اهداف تا ابزارها*. تهران: نشر نی.
- (۱۳۸۶). *درآمدی بر سازمان تجارت جهانی و الحاق ایران*. تهران: نشر قومس.
- ثاقب ح. (۱۳۹۰). *ارزیابی عملکرد ترتیبات تجاری ترجیحی دوجانبه (مطالعه موردی پاکستان)*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- جوادی ارجمند م.ج. (۱۴۰۰). *سیاست خارجی ایران و منطقه‌گرایی*. تهران: نشر میزان.
- چارمز ک. (۱۴۰۱). *ساخت نظریه زمینه‌ای*. ترجمه قربانی‌زاده و، عدنان‌راد ا، شاه‌محمدی م، عزتی ا. تهران: انتشارات بازتاب.
- چترچی چ. (۱۴۰۱). *دیپلماسی اقتصادی و سیاستگذاری خارجی*. ترجمه عرب‌پور ا، توکلی ر، حسنی پ. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- رحیمی بروجردی ع. (۱۳۹۵). *همگرایی اقتصادی: ترتیبات تجاری منطقه‌ای و بازارهای مشترک*. تهران: سمت، چ ۳.
- رضایی م. (۱۳۸۴). *ایران منطقه‌ای: گزیده‌ای از طرح پژوهشی شکل‌گیری منطقه آسیای جنوب‌غربی*. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چ ۲.
- زاهدطلبان ع. (۱۴۰۲). «طرح پژوهشی ارائه خدمات پژوهشی فوری، کمک‌های فنی و خدمات مشاوره به سازمان توسعه تجارت ایران برای انعقاد موافقت‌نامه تجارت آزاد میان ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا». تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- (۱۳۹۸). «برنامه عمل، راهبردها، چالش‌ها و راهکارهای پیشنهادی برای انعقاد و پیشبرد موافقت‌نامه‌های تجاری در افق پیش‌رو» سازمان توسعه تجارت، آذرماه.
- سازمان جهانی تجارت. (۱۳۹۸). *اسناد حقوقی سازمان جهانی تجارت*. ترجمه گروه مترجمان. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چ ۴.
- شریعتی‌نیا م، توحیدی ز. (۱۳۹۳). *همگرایی آسیایی: فرصت‌ها و تهدیدات برای ایران*. دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی. تهران: اداره نشر وزارت خارجه.
- ظریف م.ج، کریمی س. (۱۴۰۲). «ایران و چالش شناختی در تنوع معنایی اتحاد راهبردی در روابط بین‌الملل». *مطالعات کشورها*. ۱(۳): ۴۵۵-۴۸۷.
- <https://doi.org/10.22059/jcountst.2023.360338.1038>
- عابدین مقانکی م، کمالی اردکانی م، رحمانی م. (۱۳۹۰). *عوامل موثر بر موفقیت نسبی همکاری‌های منطقه‌ای منتخب: درس‌هایی برای اکو*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- عسگری ارجنکی م. (۱۴۰۰). *موافقت‌نامه تجارت ترجیحی بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران*. مرکز پژوهش‌ها، تهران: انتشارات دریچه نو.
- کمالی اردکانی م. (۱۴۰۲). *نگرش سازمان جهانی تجارت به ترتیبات تجاری منطقه‌ای*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، نشر بازرگانی، ویراست ۲.

کوهن تی‌اچ. (۱۳۹۲). *اقتصاد سیاسی جهانی: نظریه و کاربرد*. ترجمه پیغامی ع، ریسمانچیان ت، ریسمانچیان م. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) و مرکز ملی مطالعات جهانی شدن.

ماسالسکی ک. (۱۴۰۳). «واکنش دولت ایران به تحریم‌ها؛ مطالعه موردی: منطقه‌گرایی جدید». *مطالعات کشورها*. ۲(۴): ۵۷۴-۵۵۹.
<https://doi.org/10.22059/JCOUNTST.2024.379190.1142>

محمدپور ا. (۱۳۹۸). *ضدروشن: زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی*. قم: لوگوس. ویراست ۲.

مرادپور ف. (۱۳۸۴). «عضویت ناظر در سازمان جهانی تجارت». *خبرنامه رویه‌ها و تحولات سازمان جهانی تجارت*. ۹(۷۱).

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۹). «آسیب‌شناسی موافقتنامه‌های دوجانبه ترجیحی، بازرگانی و گمرکی در تجارت خارجی کشور». <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1551964>

مینایی م. (۱۳۸۶). *درآمدی بر ژئواستراتژی*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
 نوروزی ب. (۱۴۰۳). *مروری بر عملکرد موافقتنامه تجارت ترجیحی ایران و ترکیه (با تمرکز بر بخش منسوجات و پوشاک)*. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

هتنب، اینوتای آ، سونکل ا. (۱۳۹۱). *جهان‌گرایی و منطقه‌گرایی نو*. ترجمه طیب ع. تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.

هرورانی ح، بیرجندی م.ص. (۱۴۰۳). «اظهارنظر کارشناسی درباره گزارش کمیسیون اقتصادی در خصوص: «لایحه موافقتنامه تجارت آزاد بین ج.ا. ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا و کشورهای عضو آن»». *ماهنامه گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی*. ۲۰۲۹۳.

هرورانی ح، فراهانی فرد س. (۱۴۰۰). «آسیب‌شناسی موافقتنامه‌های ترجیحی، بازرگانی و گمرکی در تجارت خارجی کشور». *بررسی مسائل اقتصاد ایران*. ۸(۲): ۳۳۵-۳۶۵.
<https://doi.org/10.30465/ce.2021.6291>

References

- Abedin Moghanaki MR, Kamali Ardakani M, Rahmani M. (2011). *Factors Affecting the Relative Success of Selected Regional Cooperation: Lessons for ECO*. Tehran: Institute for Trade Studies and Research. [in Persian]
- Asgari Arjanaki M. (2011). *Preferential Trade Agreement between Iran and the Eurasian Economic Union, Chamber of Commerce, Industries and Mines of Iran*. Research Center, Tehran: Daricheh Nou Publications. [in Persian]
- Baccini L, Andreas Dür ME, Milewicz K. (2011). "The design of preferential trade agreements: A new dataset in the making". WTO working paper. http://www.wto.org/english/res_e/reser_e/ersd201110_e.pdf.
- Balam D, West M. (2018). *An Introduction to International Political Economy*. Translated by Saei A, Seifi A. Tehran: Ghoomes Publishing. 2nd Ed. [in Persian]
- Baldwin R. (2011). "Trade and industrialisation after globalisation's 2nd unbundling: How building and joining a supply chain are different and why it matters". *National Bureau of Economic Research Working Paper*. Series 17716. <http://www.nber.org/papers/w17716>.
- Bozorgi V. (2017). *Trade Diplomacy: From Goals to Tools*. Tehran: Ney Publishing

- House.
- (2007). *An Introduction to the World Trade Organization and Iran's Accession*. Tehran: Ghoomes Publishing House. [in Persian]
- Charmaz K. (2022). *Constructing Grounded Theory*. Translated by Ghorbanizadeh V, Adnan Rad A, ShahMohammadi M, Ezzati A. Tehran: Baztab Publications. [in Persian]
- Chaterchi Ch. (2012). *Economic Diplomacy and Foreign Policy Making*. Translated by Arabpour AH, Tavakoli R, Hassani P. Tehran: Imam Sadeq University Press. [in Persian]
- Cohen ThH. (2013). *Global Political Economy: Theory and Application*. Translated by Paighami A, Rismanchian T, Rismanchian M. Tehran: Imam Sadegh University Press and National Center for Globalization Studies. [in Persian]
- Comcec.org/TPS-OIC.
- ECO & EARI (Economic Affairs Research Institute). (2021). "Impediments to the Implementation of the ECO Trade Agreement and Recommended Solutions for Their Removal". Revision 1 March. Circulated by ECO Secretariat among members.
- Elms DK, Low P. (eds). (2013). *Global Value Chains in a Changing World*. Geneva: WTO Publications.
- Estevadeordal A, Suominen K. (2009). *The Sovereign Remedy? Trade Agreements in a Globalizing World*. Oxford: Oxford University Press.
- Goode W. (2003). *Dictionary of Trade Policy Terms*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Haroorani H, Birjandi MS. (2014). "Expert Comment on the Report of the Economic Commission on: 'The Draft Free Trade Agreement between the Islamic Republic of Iran and the Eurasian Economic Union and Its Member States'". *Monthly Expert Reports of the Research Center of the Islamic Consultative Assembly*. 20293. [in Persian]
- Haroorani H, Farahanifard S. (2017). "Pathology of preferential, commercial and customs agreements in the country's foreign trade". *Journal of Iranian Economic Issues*. 8(2): 335-365. <https://doi.org/10.30465/ce.2021.6291>. [in Persian]
- Hetne B, Inutai A, Sonkel O. (editors) (2012). *New Globalism and Regionalism*. Translated by Tayeb A. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publishing Office. [in Persian]
- Islamic Parliament Research Center. (2020). "Pathology of bilateral preferential, commercial and customs agreements in the country's foreign trade." <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1551964>. [in Persian]
- Javadi-Arjomand MJ. (2011). *Iran's Foreign Policy and Regionalism*. Tehran: Mizan Publishing House. [in Persian]
- Kamali Ardakani M. (2013). *The World Trade Organization's Approach to Regional Trade Arrangements*. Tehran: Institute for Trade Studies and Research, Business Publication, 2nd Ed. [in Persian]
- Massalsky C. (2024). "The Iranian government's response to sanctions: A case study of new regionalism". *Countries Studies*. 2(4): 129-140. <https://doi.org/10.22059/JCOUNTST.2024.379190.1142>. [in Persian]
- Minaei M. (2007). *Introduction to Geostrategy*. Tehran: Institute for Strategic Studies. [in Persian]
- Mohammadpour A. (2019). *Anti-Method: Philosophical Backgrounds and Practical Procedures in Qualitative Methodology*. Qom: Logos, 2nd ed. [in Persian]
- Moradpour F. (2005). "Observer membership in the world trade organization". *Newsletter of Events and Developments of the World Trade Organization*. 9(71). [in Persian]
- Norouzi B. (2014). *A Review of the Performance of the Iran-Turkey Preferential Trade Agreement (Focusing on the Textile and Apparel Sector)*. Institute for trade Studies and Research. [in Persian]

- O'Neil ShK. (2022). *The Globalization Myth: Why Regions Matter*. Yale University Press.
- Park A, Nayyar G, Low P. (2013). *Supply Chain Perspectives and Issues: A Literature Review*. Geneva: WTO Publications.
- Rahimi Boroujerdi, A. (2016). *Economic Integration: Regional Trade Arrangements and Common Markets*. Tehran: Samt. 3rd Ed. [in Persian]
- Ramírez-Hernández R. (2022). "Trade in Goods". Bethlehem D, McRae D, Neufeld R, van Damme I. (eds.). *The Oxford Handbook of International Trade Law*. Oxford University Press. 2nd ed.
- Rezaei M. (2005). *Regional Iran: An Excerpt from the Research Project on the Formation of the Southwest Asian Region*. Tehran: Armed Forces Geographical Organization Publications. 2nd Ed. [in Persian]
- Sagheb H. (2011). *Performance Evaluation of Bilateral Preferential Trade Arrangements (Pakistan Case Study)*. Tehran: Institute for Trade Studies and Research. [in Persian]
- Schiff M, Winters LA. (2003). *Regional Integration and Development*. Washington, DC.: The International Bank for Reconstruction and Development/The World Bank.
- Shariati Nia M, Tohidi Z. (2014). *Asian Convergence: Opportunities and Threats for Iran*. Office of International Political Studies. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publishing Office. [in Persian]
- UNCTAD. (2007). "Trade and Development Report 2007: Regional cooperation for development". New York and Geneva: United Nations Publication.
- World Trade Organization. (2019). *Legal Texts of the World Trade Organization*. Translated by Taromsari M. et al.). Tehran: Institute for Trade Studies and Research. 4th Ed. [in Persian]
- WTO. (2011). *World Trade Report 2011: The WTO and Preferential Trade Agreements: From Co-existence to Coherence*. Geneva: WTO Publications.
- WTO Secretariat (2025). "Regional trade agreements database, RTAs currently in force, 1948-2025". <https://rtais.wto.org/UI/charts.aspx>.
- Zahedtalaban A. (2019). "Action plan, strategies, challenges and proposed solutions for the conclusion and promotion of trade agreements in the future". Trade Development Organization. December. [in Persian]
- (2013). "Research project on providing urgent research services, technical assistance and consulting services to the Trade Development Organization of Iran for the conclusion of a free trade agreement between Iran and the Eurasian Economic Union". Institute for Trade Studies and Research. January. [in Persian]
- Zarif MJ, Karimi S. (2023). "Iran and the cognitive challenge in various perceptions of strategic alliance in international relations". *Countries Studies*. 1(3): 95-99. <https://doi.org/10.22059/jcountst.2023.360338.1038>. [in Persian]